

## سینمای کردستان بازیابی حافظه قومی و تاریخی از مقاومت

جنى تسىروپائولو – مبین رحیمی



«توان گفتن از قصه‌هایت، شیوه‌ای است برای داشتن احساس انسان بودن در جهان»

- «چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟ جاده چرا بسته شده است؟»

- «فکر کنم جمعیتی از کردیا [کردستانی‌ها] در حال تظاهرات هستند.»

من گفتگوی کوتاهی را که عمویم در یونان با یک راننده تاکسی داشت - هنگامی که من در مسیرم برای رفتن به دیدن محمد آکسوی<sup>۱</sup> بودم - به خاطر آوردم.

محمد یک فیلمساز جوان و عضو «کمیته مدیریت هشتمین جشنواره فیلم کردی لندن» بود و در همان جا هم زندگی می‌کرد. با این وجود اگر افرادی وجود داشته باشند که حتی حاضر نیستند اسم

<sup>۱</sup>. Memed Aksoy:

محمد با شروع انقلاب در روزناوا، برای رسیدن به هدفش، بعنوان یک مبارز فیلم‌ساز از لندن به کردستان سوریه آمد و به «نیروهای مدافع خلق» [YPG / نیروهای کرد سوری در حال مبارزه با جهادی‌ها] پیوست. اما نهایتاً در ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۷، هنگامی که داعش در نزدیکی جبهه رقه به یک پایگاه حمله کرد؛ محمد شهید شد. برای بهتر شناختن محمد، متن دیوید گرابر را تحت عنوان «دموکراسی در سوریه ممکن است، دوستم می‌دانست چگونه» / را بخوانید.

طبیعی گُردستان را به رسمیت بشناسند؛ پس آیا برای بسیاری از ما امکان دیدن یک فیلم گُردی وجود دارد؟

محمد برای من توضیح داد که چگونه ملت گُرد «بر روی یک میز با استفاده از یک خط‌کش» چندپاره شده است: بزرگترین ملت در جهان بدون یک سرزمین به رسمیت شناخته شده؛ که ساکنان آن در ترکیه، سوریه، عراق و ایران پراکنده شده‌اند. گُردها به گونه‌ای سنتی، ستم را تجربه کرده‌اند؛ تجربه جدایی خشونت‌بار از زبان، فرهنگ و تاریخ‌شان که همواره غیرقانونی و ممنوع اعلام شده است. هویت گُردی عمدتاً بواسطه «سنت شفاهی» منتقل شده است. به لطف زنان که بدون حضور در مدرسه از همسان‌سازی گریختند و بدین گونه به «حاملان قصه‌ها و افسانه‌ها به نسل بعدی» تبدیل شدند. امروزه اما تصورات در حال دگرگون شدن هستند: «سینمای گُردی جایگاه نخست را بخود گرفته است»، از لحاظ بین‌المللی یک افتخار است و در حال افکندن پرتویی بر این «ملت نامرئی» است.

## صد سال سکوت

بنا به گفته‌های محمد: «تصور کنید که سینما ۱۲۰ سال عمر دارد و گُردها در بیست سال گذشته به ساختن فیلم پرداخته‌اند. بنابراین ما صد سال عقب هستیم. نخستین فیلم در تاریخ گُردستان؛ فیلم «زاره [۱۹۲۷]»<sup>۲</sup> است که بواسطه اتحاد جماهیر شوروی در ارمنستان ساخته شد.»

پس از این فیلم، سینمای گُردی برای چندین دهه خاموش ماند:

«گُردها در دهه ۱۹۹۰ در مقیاس وسیعی، شروع به ساختن فیلم کردند و در چند سال گذشته این [تولیدات] به سقف خود رسید. امسال ما بیشتر از ۳۰۰ فیلم ارسالی -از جمله با ویژگی‌ها مستندگونه و کوتاه- را دریافت کرده‌ایم. در واقع، سطح تولید به نسبت بسیاری از کشورهای اروپایی، بهتر است.»

---

<sup>۲</sup>. Zare

عامل اصلی سیاسی است: پس از آنکه سرزمین کردها به چهاربخش تقسیم شد، کردها نمی‌توانستند به آینده خود، حتی به زندگی روزمره خود تحقق بخشند.

دهه‌ها مبارزه و رسیدن به یک خودمختاری در کردستان عراق در سال ۲۰۰۳، فرصت‌های زیادی را برای تولید، توزیع و جشنواره‌های فیلم‌گردی ایجاد کرد. آن‌ها بخاطر دست یافتن به یک موقعیت سیاسی و حکومتی؛ هم اکنون به رسمیت شناخته شده‌اند.

پس از دهه ۱۹۷۰ یک قیام گسترده‌ای در ترکیه بوقوع پیوست و جنبش آزادیبخش کردها منتهی به شکل‌گیری فضاها شد که در واقع کردها می‌توانستند در آن فضاها به بازیابی و نوشتن تاریخ و فرهنگ خود بپردازند. بخش قابل توجهی از این [بازیابی] در -غربت-<sup>۳</sup> [خارج از کردستان] انجام شد.

کردها به خودشان باور پیدا کردند و احساس کردند که باید قصه‌های‌شان را بیان کنند. چنین چیزی در کردستان ایران و سوریه هم اتفاق افتاد، همانگونه که کردها هنوز هم در حال مبارزه برای خودتحقق‌بخشی هستند.

به قول محمد: «توان گفتن از قصه‌های‌تان، شیوه‌ای برای داشتن احساس انسان بودن در جهان است.»

### کردهای «شورور»

محمد به من گفت: «شما ممکن است که فیلم‌هایی را از کارگردان‌های گرد تماشا کرده باشید اما فقط متوجه این نشده‌اید.» هر کس و یا هر چیزی که تحت عنوان «گردی» شناخته می‌شد، نفی و یا تحت نام‌های دیگری نقاب‌دار می‌شد.

«بسیاری از کردها، خالق هنر برای ملت دولتهایی بوده‌اند که در آن زندگی می‌کردند؛ همانگونه که -یلماز گونای-<sup>۴</sup> بزرگترین ستاره در تاریخ ترکیه، در سرتاسر جهان بعنوان یک هنرمند ترک

<sup>3</sup>. diaspora

<sup>4</sup>. Yilmaz Güney

شناخته شده است. تاریخ هنر در بردارنده دولت‌های ستمگر است و بنابراین در حال حاضر ما خواهان افراد [هنرمندان] و کارهایی هستیم که آن‌ها خلق کرده‌اند: خواهان برگرداندن آن‌ها یا حداقل سهیم شدن با آن‌ها.»

محمد گفت: «هنگامی که فیلم یلماز گونای در سال ۲۰۰۱ برای نخستین بار به طور رسمی اکران شد؛ کلمه گُردستان و زبان گُردی از فیلم حذف شده بودند و در بعضی جاها موسیقی گُردی تغییر داده شده بود. سانسور چهره متفاوتی بخود گرفته بود. در تلویزیون ترکیه شخصیت‌های گُرد، بیشتر شخصیت‌هایی منفی هستند که معمولاً نامدنی و یا تروریست به تصویر کشیده می‌شوند. این نوعی از کلیشه‌سازی است که هنوز هم بسیار رایج است.»

### تقاطعی از خاطرات و مقاومت

سینمای تازه متولد شده گُردستان، واسطه‌ای برای مردم است تا قصه‌های بیان نشده خود را با دیگران در میان بگذارند، از تروماهای خود بکاهند و به بازستانی هویت خود پردازند.

محمد با وجد و سرور توضیح می‌داد: «هنگامی که شما یک دولت متحد ندارید، حرف زدن از شاخصه‌های سینمای تان کاری است دشوار، با این وجود ما به سینما به مثابه یک توان نگاه می‌کنیم، یک غنای فرهنگی که می‌توانیم آن را توسعه دهیم، تلفیق کنیم و از آن چیزی بی‌نظیر به ارمغان بیاوریم.»

«گُردها در بخش‌های مختلف گُردستان چندان تجارب یکدیگر را نمی‌دانند. بنابراین سینما واسطه‌ای است برای اینکه گُردها یکدیگر را بشناسند و در عین حال جهان هم آن‌ها را بشناسد. ما در زمینه عکاسی، رمان و شعر آفرینش‌های بسیار محدودی داریم؛ بنابراین سینما نقش تلنبارگی خاطرات را ایفا می‌کند و این منطقه دیگری از مقاومت برای ما است: یک مقاومت در برابر همسان‌سازی و یک مقاومت برعلیه یورش به تاریخ و هویت گُردها. یک سینمای خوب می‌تواند شما را زیباتر کند و از این نظر سینما همانند هر نوع هنر دیگری، بزرگترین سلاح مقاومت است. تا کنون گُردها سعی در

انجام این کار بواسطه مقاومت سیاسی داشته‌اند، اما این چیزی است که آن‌ها را از مقاومت هنری و فرهنگی جدا می‌کند.»

«من بخاطر دارم در پایان فیلم -بچه‌های دیاربکر-<sup>۵</sup> که در یکی از جشنواره‌های پیشین ما اکران شد، مردم گریه می‌کردند. بسیاری از آن‌ها جدا از مغازه‌داران گرد کوچه‌های محله خود، هرگز از وضعیت کردها آگاه نبودند. یک قصه؛ به نسبت کسی که بلند می‌شود و یک ساعت در مورد چگونگی رنجی که می‌بریم حرف می‌زند؛ گیرایی بیشتری دارد. پس از آن فیلم؛ آن‌ها هرگز هستی مردم گرد را فراموش نخواهند کرد: مردمانی که همواره در حال مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن هستند.»

★ متن حاضر ترجمه‌ای است از:

#### KURDISH CINEMA EVOKES ETHNIC MEMORIES & HISTORY OF RESISTANCE



Jenny Tsiropoulou / November 12, 2013

---

<sup>5</sup>. The Children of the Diyarbakir